

بررسی چالش‌ها و فرصت‌های تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده

آمریکا در قبال ایران (با تأکید بر دوره ۱۳۶۷-۱۴۰۲)

مرتضی فدوی / گروه علوم سیاسی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران
رضا سیمبر / گروه علوم سیاسی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران (نویسنده
مسئول) استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) simbar@guilan.ac.ir
ارسلان قربانی شیخ‌نشین / گروه علوم سیاسی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره
کیش، ایران استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی
کارینه کشیشیان سیرکی / دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه
آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بر علیه ج. ا. ایران را باید نمود عینی دشمنی با آن دانست. تحریم‌هایی که با هدف تغییر ماهیت و شکل رفتار ایران در راستای منافع آمریکا طی بیش از چهار دهه اجرایی شده است. در باب میزان تأثیرگذاری این تحریم‌ها بر ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران نظرات مختلفی وجود دارد. به همین منظور مقاله حاضر تلاش داشته با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال بپردازد که چالش‌ها و فرصت‌های مربوط به تحریم اقتصادی و راهبردی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و نحوه مواجهه ایران با آنها چه بوده است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد در سطح چالش‌ها تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ج. ا. ایران منجر به اعمال محدودیت در فعالیت‌های مالی، بانکی، تجاری و راهبردی ایران گردیده است و در بخش فرصت‌ها ایران با ابتکارات ناشی از محدودیت‌های ایجاد شده توسط تحریم‌ها، از سویی توانست ظرفیت‌های راهبردی خود را در بخش‌های مختلف اقتصادی شناسایی و محقق نماید و از سویی دیگر قدرت انعطاف‌پذیری خود را در برابر سطح اولیه تحریم‌ها افزایش دهد. اما به نظر می‌رسد برای مقابله با سطح دوم تحریم‌ها در بلندمدت نیازمند تدوین یک استراتژی منسجم و موثر برای رشد و توسعه پایدار کشور در فضای تحریم می‌باشد.

کلیدواژه: اقتصاد، تحریم، ج. ا. ایران، توسعه پایدار، تحریم‌های آمریکا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

مقدمه

مناقشه و تضاد ایران و آمریکا در دوران پس از انقلاب اسلامی، به عمر بیش از چهار دهه از مهم‌ترین دستورکارهای هر دو کشور بوده است. نظام تحریم‌های ایالات متحده آمریکا نمود عینی این خصومت و دشمنی بوده است که پس از ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در آبان ماه ۱۳۵۸ بر علیه ایران وضع گردید. رژیم تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران مبتنی بر موزاییکی از اختیارات چند لایه است که شامل قوانین، دستورات اجرایی و مقررات است. این اختیارات به رئیس جمهور این اختیار را می‌دهد که نهادهای ایرانی را تحریم کند، همچنین به دولت این اختیار را می‌دهد که به طور یکجانبه این تحریم‌ها را در آینده اصلاح، لغو یا خاتمه دهد (Karbassi, 2022). هدف تحریم‌ها معمولاً تغییر رفتار دولت(های) هدف است. تحمیل تحریم یک اقدام قهری است که می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از خصومت تعبیر شود یا ممکن است به تشدید خصومت منجر شود بدون اینکه به یک درگیری نظامی اجتناب ناپذیر ختم شود. اگرچه دیپلماسی تحت تحریم‌ها مرده نیست، اما این امر فضایی غیردوستانه ایجاد می‌کند که در نهایت ممکن است به جنگ منجر شود (Ghanbarlou, 2020).

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، ایالات متحده دو نوع تحریم را علیه ایران اعمال کرده است: تحریم‌های اولیه و ثانویه. تحریم‌های اولیه ایالات متحده علیه ایران تحریم‌هایی هستند که مستقیماً شهروندان و نهادهای آمریکایی (و آنهایی که در ایالات متحده حضور دارند، مانند شرکت‌ها و مؤسسات مالی) را از مشارکت در فعالیت‌های مشخص شده با همتایان خود در داخل ایران منع می‌کند. تحریم‌های اولیه به عنوان مبنایی برای اثبات صلاحیت قضایی بر احزاب و از سال ۱۹۷۹ به طور مستمر به قوت خود باقی مانده است. دولت‌های بعدی دامنه این تحریم‌ها را در طول سال‌ها گسترش داده‌اند. برخلاف تحریم‌های اولیه، تحریم‌های ثانویه علیه معاملات طرف‌های غیرآمریکایی با نهادهای ایرانی تحریم شده صرف‌نظر از پیوند ایالات متحده، اعمال می‌شوند. به این معنا که تحریم‌ها علیه نهادهای غیرآمریکایی و غیرایرانی به‌طور خاص و صرفاً به این دلیل است که آن‌ها با نهادهای تعیین شده ایرانی در حال معامله هستند. این تحریم‌ها به دنبال جلوگیری از رفتار این نهادهای خارجی است، حتی اگر معاملات اساسی با ایالات متحده ارتباط مستقیم نداشته باشند و صرف‌نظر از قانونی بودن این اقدام در حوزه قضایی داخلی. آنها این کار را با تهدید به قطع دسترسی شخص یا نهاد خارجی به سیستم مالی ایالات متحده

(مانند بانک ها و ارز ایالات متحده) انجام می دهند. تحریم های ثانویه از نظر حقوق بین الملل تا حدی بحث برانگیز تلقی می شوند، زیرا به عنوان ادعای فراسرزمینی قدرت حاکمیت ایالات متحده بر احزاب و معاملات کاملاً غیرمرتبط با ایالات متحده تلقی می شوند (Buretta&Lew, 2023).

تحریم های ایالات متحده آمریکا تأثیرات منفی مستقیم و غیرمستقیمی بر حوزه های مختلف ایران داشته است. درجه تأثیرگذاری این تحریم ها بر اقتصاد، سیاست منطقه ای و دفاعی ایران در ادوار مختلف، متفاوت بوده است. این تحریم ها تاکنون پیامدهای محدودی بر تعقیب اهداف استراتژیک ایران همچون حمایت از متحدان منطقه ای و توسعه برنامه موشکی (کروز و بالستیک) داشته است؛ اما از سوی دیگر توانسته اند تأثیر عمده ای بر اقتصاد و تجارت ایران به جهت داخلی و رابطه آن با جهان خارج داشته و باعث افت تولید ناخالص داخلی، کاهش صادرات نفت، مختل شدن مبادلات مالی با کشورهای دیگر، تراز تجاری منفی، جهش تورم، گسترش بیکاری، کاهش ارزش پول ملی، کسری شدید بودجه و غیره را به دنبال داشته است (علینقی پور و گودرزی، ۱۴۰۱: ۱۰۳-۱۲۴). تمامی این تحریم ها به هدف تغییر رفتار ایران در محیط منطقه ای و بین المللی صورت گرفته است؛ برخی از پژوهشگران معتقدند که تداوم این تحریم ها در نهایت منجر به تغییر رفتار ایران در مسیر مناسب با منافع ایالات متحده آمریکا خواهد شد و برخی دیگر بر این عقیده اند که فشار حداکثری بر ایران به ویژه از دوران ترامپ به بعد نتوانسته است ایران را از پیگیری اهداف و نقاط استراتژیک مدنظرش بازدارد.

بر این اساس و با مطالعه در رویدادها و فرصت های تعاملاتی اخیر و رفتار سیاسی میان جمهوری اسلامی و آمریکا، مقاله حاضر تلاش می کند تا به این سؤال پاسخ دهد که چالش ها و فرصت های مربوط به تحریم اقتصادی و راهبردی کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران دارای چه چالش ها و فرصت هایی بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال این فرضیه مطرح می شود که در سطح چالش ها تحریم های اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران منجر به اعمال محدودیت در فعالیت های مالی، بانکی، تجاری و راهبردی ایران گردیده است و در بخش فرصت ها ایران با ابتکارات ناشی از محدودیت های ایجاد شده توسط تحریم ها، از سویی توانست ظرفیت های راهبردی خود را در بخش های مختلف اقتصادی شناسایی و محقق نماید و از سوی دیگر قدرت انعطاف پذیری خود را در برابر سطح اولیه تحریم ها افزایش دهد. اما به نظر می رسد برای مقابله با

سطح دوم تحریم‌ها در بلندمدت نیازمند تدوین یک استراتژی منسجم و موثر برای رشد و توسعه پایدار کشور در فضای تحریم می‌باشد. مقاله از روش توصیفی-تحلیلی استفاده کرده است و داده‌های خود را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده است.

۱. پیشینه تحقیق

علینقی پور و گودرزی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر تحریم‌های آمریکا بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی (مطالعه موردی روسیه)» نشان داده‌اند که سیاست‌های مبتنی بر تحریم و فشار غرب موجب شده تا سیاست خارجی ج.ا.ایران از ابتدای انقلاب مبتنی بر نگاه به شرق در ابعاد مختلف طراحی شود؛ نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که در دوران حسن روحانی سیاست دولت در مقابله با تحریم در بُعد اقتصادی مبتنی بر وابستگی ایران به واردات اقتصادی، از روسیه بوده است از نظر ژئواکونومیک ایران و روسیه طرح‌های موازنه بخشی بویژه در حوزه انرژی و دریای خزر و اورآسیا در مقابل سیاست‌های غرب به اجرا رسانده‌اند.

محبی هره دشت و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقابله با تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران با ابزار هشدار به موقع درماندگی بانک‌ها» به مساله تأثیر تحریم‌های آمریکا بر نظام بانکی ایران پرداخته‌اند. نویسندگان در پاسخ به این سؤال که جایگاه الگوی هشدار به موقع درماندگی بانک‌ها چگونه می‌تواند به کاهش تأثیرات تحریمی منجر شود؟ نتیجه گرفته‌اند که نظام بانکداری به کمک محاسبه سالانه این شاخص‌ها می‌تواند درماندگی مالی و ورشکستگی را قبل از وقوع پیش‌بینی کرده و تدابیر لازم را در خصوص تجدیدنظر در کنترل مجموعه خود اتخاذ نمایند و از بروز ورشکستگی جلوگیری کند.

علوی و امیری (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «نقش کنگره و وزارت خزانه‌داری آمریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۰)» با تأکید بر نقش وزارت خزانه‌داری آمریکا در پیاده‌سازی نظام تحریم‌های این کشور اذعان داشته‌اند دولت ایالات متحده با هجوم تحریم‌های اولیه و ثانویه خصوصاً از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ در قالب قوانین کنگره و فرامین اجرایی رئیس‌جمهوری با بازوی اجرایی وزارت خزانه‌داری و ذیل آن «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC)»، با جنگ اقتصادی تمام‌عیار خود، اقتصاد کشور را تحت فشار قرار داده است.

باجغلی و همکاران (۲۰۲۴) در کتاب تحریم‌ها چگونه کار می‌کنند: ایران و آثار جنگ اقتصادی سعی کردند آثار تحریم‌های گسترده و طولانی مدت غرب به رهبری آمریکا علیه ایران را بررسی و تحلیل کنند. از این کتاب به عنوان اولین مطالعه گسترده و نظام مند درباره آثار تحریم‌ها بر جامعه ایران یاد می‌کنند. نویسندگان در این کتاب نتیجه گرفته‌اند که تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران نتوانسته است به اهداف خود برسد زیرا از یک سو نه تنها تغییری در رفتار ایران ایجاد نکرده بلکه آن را تهاجمی تر کرده است و از سوی دیگر تحریم‌های فشار حداکثری بسیاری از ایرانیان را چه در مناطق روستایی و چه شهری در فقر فرو برده است و سبب تشدید نابرابری اقتصادی و طبقاتی شده است.

قاسمی نژاد و جهان پرور (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تحریم‌های مالی: مطالعه موردی ایران» تحریم‌های مالی تأثیر زیادی بر افت و افول اقتصاد ایران داشته‌اند. در این زمینه نویسندگان بر این باورند که تحریم‌ها بر شرکت‌های مرتبط سیاسی بیش از شرکت‌های معمولی تأثیر می‌گذارند، اثرات منفی پایداری بر نسبت‌های سودآوری دارند، و قیمت سهام شرکت‌های مرتبط با سیاسی پس از برداشته شدن تحریم‌ها کندتر باز می‌گردد. شرکت‌های هدف تحریم‌های مالی، اهرم خود را کاهش داده و دارایی نقدی خود را افزایش می‌دهند تا افزایش درک شده در نمایه ریسک را مدیریت کنند.

نفیو (۲۰۱۷) در کتاب خود با عنوان «هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون میدان» تحریم‌ها را به چهار بخش عمده دیپلماتیک و سیاسی، نظامی، حوزه فناوری و اقتصادی تقسیم می‌کند و معتقد است پُر استفاده‌ترین و اثر گذارترین نوع تحریم، نوع «اقتصادی» آن است که به دو دسته تجاری و مالی تقسیم می‌شود. نویسنده در این کتاب، چگونگی شکل‌گیری تحریم‌ها با در نظر گرفتن شرایط و بافتار ایران را بررسی می‌کند؛ همچنین نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند تا به فعالان و علاقه‌مندان اجرای عملی سیاست‌های خارجی این چارچوب ذهنی را منتقل سازد که چه وقت و چگونه باید اجرای تحریم‌ها را عملی سازند.

امعان‌نظر در پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که عمده‌ی این آثار و تحقیقات بر وجه منفی و چالش‌های تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد و جامعه‌ی ایران تأکید داشته و نتایج آنها را بررسی کرده‌اند؛ در مقابل نیز برخی از پژوهش‌ها بر وجه ایجابی و پنجره فرصت تحریم‌های اقتصادی به منظور توجه به ظرفیت‌های داخلی و بومی و توسعه‌ی درون‌زای کشور پرداخته‌اند؛ به همین منظور با توجه آثار تدوین شده در این حوزه،

پژوهش حاضر تلاش می‌کند هر دو وجه چالش‌ها و فرصت‌های تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا پردازد و همین موضوع باعث بداعت و نوآوری مقاله حاضر است.

۲. چارچوب نظری: نظام تحریم‌های بین‌المللی: منطق، ماهیت و

کارکردها

تحریم‌ها نوعی اهرم غیرنظامی برای اعمال فشار هستند و معمولاً توسط دولت‌ها در روابط خود با سایر کشورها استفاده می‌شود. با این حال، تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام کشورها باید تحریم شوند یا نوع، میزان و سطح تحریم‌ها بستگی به تمایل و ترجیحات خاص سیاست‌گذاران دارد.

تحریم‌های بین‌المللی، اقدامات تنبیهی هستند که توسط یک یا گروهی از دولت‌ها علیه یک یا گروهی از دولت‌های هدف بدون هیچ‌گونه تمایلی به جنگ تحمیل می‌شوند. هدف تحریم‌ها معمولاً تغییر رفتار دولت‌های هدف است. تحمیل تحریم یک اقدام قهری است که می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از خصومت تعبیر شود یا ممکن است به تشدید خصومت منجر شود بدون اینکه به یک درگیری نظامی اجتناب‌ناپذیر ختم شود. اگرچه دیپلماسی تحت تحریم‌ها مرده نیست، اما این امر فضایی غیردوستانه ایجاد می‌کند که در نهایت ممکن است به جنگ منجر شود. تحریم انواع مختلفی دارد. تحریم‌های نظامی و تسلیحاتی در میان سایرین رایج‌تر است و حتی ممکن است زمانی اعمال شود که دو کشور از روابط دوستانه برخوردار باشند (farzanegan & Batmanghelidj, 2023: 197-223). برخی از دولت‌ها حتی از ارائه سلاح‌ها یا فناوری‌های خاص و برتر به دوستان خود اجتناب می‌کنند. تحریم‌های تسلیحاتی که در معاهداتی مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) وجود داشت، احتمالاً به شکل ممنوعیت تولید برخی سلاح‌ها علیرغم اینکه فناوری تولید آنها در دسترس است، دیده می‌شود. اگرچه در زمان جنگ، تحریم‌های تسلیحاتی تأثیرات مشهودی دارند، اما در شرایط عادی تأثیر مخربی ندارند.

در شرایط عادی، کشورها معمولاً از تحریم‌های اقتصادی برای تغییر رفتار رقبای یا دشمنان خود استفاده می‌کنند. با توجه به نقش اساسی عوامل اقتصادی در رفاه ملی، تحریم‌های اقتصادی ممکن است اثرات مخرب مشهودی بر اقتصاد ملی داشته باشد و حتی بر ثبات سیاسی تأثیر بگذارد. بنابراین، تحریم‌های اقتصادی ممکن است دولت هدف را تشویق کند تا به خواسته‌های کشوری که تحریم‌ها (یا فرستنده) را اعمال کرده، پاسخ دهد. تحریم‌های اقتصادی معمولاً به عنوان اقدامی تعریف می‌شوند که هدف آن «تغییر رفتار

دولت هدف» است و این همان چیزی است که کشور فرستنده به عنوان سیاست‌های خود اعلام می‌کند. با این حال، محدود کردن هدف تحریم‌های اقتصادی به «تغییر رفتار کشور هدف» ممکن است به نوعی گمراه کننده باشد. همچنین ممکن است انگیزه واقعی کشور فرستنده چیزی فراتر از تغییر رفتار باشد و عملاً تغییر رژیم باشد (bajoghli et al,2024: 42).

شبهت مفهومی واضحی بین تحریم اقتصادی و جنگ اقتصادی وجود دارد. همانطور که در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد تعریف شده است، جنگ اقتصادی عبارت است از: «یک استراتژی اقتصادی مبتنی بر استفاده از اقدامات (مثلاً محاصره) که تأثیر اولیه آن تضعیف اقتصاد یک ایالت دیگر است. با این حال، معمولاً برای دستیابی به اهداف اساسی سیاسی و امنیتی استفاده می‌شود. در جریان درگیری مسلحانه بین دو یا چند کشور، آنها ممکن است از فنون جنگ اقتصادی از جمله محاصره اقتصادی یا تخریب زیرساخت‌های اقتصادی طرف مقابل به عنوان مکمل درگیری مسلحانه و اقدامی که پیروزی آنها را تسهیل می‌کند، استفاده کنند. اما هر جنگ اقتصادی لزوماً همزمان با درگیری مسلحانه نیست، و جنگ اول ممکن است به عنوان جایگزینی برای دومی مورد استفاده قرار گیرد. وقتی دو کشور متخاصم نسبتاً در سطح مشابهی از قدرت نظامی قرار دارند یا نسبت به کارآیی بازگرداندن راه‌های خصمانه چندان مطمئن نیستند، آن‌گاه کشوری که قدرت اقتصادی قوی‌تری دارد ممکن است به استفاده از ابزارهای غیر خصمانه در قالب تحریم‌های اقتصادی تمایل پیدا کند. به عنوان یک جایگزین با هزینه کمتر در حالی که در دنیای کنونی تمایل بیشتری برای جایگزینی جنگ نرم با جنگ نرم وجود دارد، مانند جنگ اقتصادی، ابزارهای متنوعی نیز برای جنگ اقتصادی وجود دارد (Rosenberg, Goldman, & Drezner, 2016).

بنابراین به نظر می‌رسد تحریم اقتصادی نوعی درگیری با استفاده از ابزارهای اقتصادی است و از روش‌های خصمانه مانند تخریب زیرساخت‌های اقتصادی کشور هدف اجتناب می‌کند. منتقدان جنگ اقتصادی بر این باورند که این جنگ زندگی غیرنظامیان را ویران می‌کند و منجر به نتایج ضد بشری و غیراخلاقی می‌شود. در مورد تحریم‌ها همواره چنین انتقاداتی مطرح شده است. تحریم‌ها از دو جنبه بر تصمیم کشور هدف تأثیر می‌گذارد: خسارتی که مستقیماً به آن کشور وارد می‌شود و دیگری تهدیدهای صریح یا ضمنی که به موازات آن کشور تحمیل می‌شود. تهدیدها، حتی تهدیدهای ضمنی، نقش کلیدی در وادار

کردن کشور هدف به تسلیم دارند. بنابراین، کشورهایی که جنبه تهدیدآمیز تحریم را در نظر نگیرند، شانس موفقیت را از دست خواهند داد. یک تهدید جدی که آسیب کمتری به تحریم‌ها وارد می‌کند، مؤثرتر از یک تهدید بی‌کار با آسیب بیشتر به تحریم‌ها است. انتقال پیام کشور فرستنده مبنی بر تغییر رفتار کشور هدف و آمادگی برای اعمال فشار بیشتر با اثربخشی بالاتر، مهم است. برای این منظور، اگر کشور فرستنده بتواند بسیج بین‌المللی قدرتمندتری ایجاد کند، شانس بیشتری برای موفقیت خواهد داشت (Lacy&Niou, 2004: 26-27).

تحریم‌های اقتصادی از لحاظ نظری بر این اصل استوار است که انگیزه اصلی هر کشور اهداف و منافع ملی آن است که قابل محاسبه است. از بین گزینه‌های مختلف، آنها گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که مزایای بیشتری برای آنها فراهم می‌کند. نظریه دیگر درباره تحریم‌ها این است که منافع ملی کشورها عمیقاً در هم تنیده شده است به گونه‌ای که آنها را به یکدیگر وابسته می‌کند. هر کشوری که وابستگی بیشتری دارد، در نتیجه در برابر تحریم‌ها آسیب‌پذیرتر می‌شود. زمانی که یک یا چند کشور به دنبال تغییر رفتار یا سیاست دولت (های دیگر) هستند، سعی می‌کنند آن رفتار یا سیاست را چیزی غیرمنطقی تعریف کنند. در چنین شرایطی، تحریم‌ها بر کشورهای هدف تأثیر می‌گذارد و آنها را مجبور می‌کند تا خواسته‌های کشورهای فرستنده را برآورده کنند (Samore, 2015: 74-75).

تحریم‌ها معمولاً فزاینده هستند، به عبارت دیگر اگر در وهله اول مؤثر واقع نشوند، شدت بیشتری خواهند گرفت. تشدید تحریم‌ها به آسیب تحریم‌ها می‌افزاید و انتظار می‌رود که در نهایت در مقطعی مؤثر واقع شود. با این حال، این در عمل چندان ساده نیست. مشکل این است که کشورها بر اساس خرد ثابت یا جهانی برای منافع خود ارزش قائل نیستند. محاسبه سطح مورد نیاز تحریم برای اجبار یک کشور به تسلیم شدن، بدون چالش نخواهد بود. حتی ممکن است تحریم فی‌نفسه کشور هدف را مصمم‌تر برای ادامه رویکرد خود کند، زیرا انطباق با درخواست‌های کشورهای فرستنده، تحقیرآمیز تلقی شود. دولت هدف نیز ممکن است تصور کند که آسیب معنوی تسلیم شدن به تحریم از ضرر مالی آن سنگین‌تر خواهد بود و بنابراین تشدید تحریم‌ها تنها در حدی قابل توجیه است که منجر به ورشکستگی یا فروپاشی سیاسی نشود (Ghanbarlou, 2020).

اگرچه تحریم، به عنوان یک اقدام غیرنظامی برای تغییر یک رفتار خاص یا تقویت آن، سابقه طولانی در روابط بین‌الملل دارد، اما از قرن بیستم، به ویژه در دوران پس از جنگ سرد، شتاب بیشتری یافته است. استفاده گسترده از تحریم‌های اقتصادی یکی از شاخصه‌های اصلی روابط بین‌الملل در دوران پس از جنگ سرد بود و سیاست‌گذاری تعدادی از کشورها و در راس آنها آمریکا پیش‌تاز بود. ایالات متحده برخی کشورها را به بهانه‌های مختلف از جمله نقض حقوق بشر، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و اشاعه تسلیحات هسته‌ای تحریم می‌کند و زمانی که نتوانست به اجماع بین‌المللی دست یابد، واشنگتن تحریم‌های یک‌جانبه را اعمال می‌کرد. از منظر اقتصادی، از آنجایی که در یک دنیا همه کشورها از نظر اقتصادی به یکدیگر وابسته هستند، تحریم‌ها مانند یک شمشیر دولبه عمل می‌کنند، بنابراین بازگرداندن تحریم‌ها غیرمنطقی به نظر می‌رسد. با این حال، تحریم یک منطق سیاسی دارد که به ساده‌ترین شکل آن به عنوان «مشکلات اقتصادی در ازای منافع سیاسی» تعریف می‌شود (Elliott, 2005: 3-4).

۳. چالش‌ها و فرصت‌های تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ساختار اقتصادی

ایران ۲۰۱۲-۲۰۱۶

تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران که با هدف تغییر رفتار یا تغییر نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران وضع و اجرا شده، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منجر به ایجاد موانع رشد و توسعه اقتصادی طی سه دهه اخیر این کشور شده است. این تحریم‌ها به تعبیر ریچارد نفیو (۱۳۹۹) در کتاب «هنر تحریم‌ها» به منظور ایجاد «دردی» است که در نهایت باعث تغییر رفتار کشور هدف تحریم خواهد شد. نظام تحریم‌های ایالات متحده آمریکا که عمدتاً ماهیت اقتصادی دارند، با هدف تغییر رویکرد و رفتار ایران در مساله هسته‌ای و فشار بر سیستم مالی، بانکی و تجاری ایران به منظور ایجاد نارضایتی در وضعیت معیشتی مردم بوده است. در ادامه به چالش‌ها و فرصت‌های تحریم‌های اقتصادی آمریکا برای ایران می‌پردازیم:

۱-۳ چالش‌های تحریم‌های آمریکا برای اقتصاد ایران

در نگاه کلان تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته و مسبب چالش‌های متعددی برای آن بوده است. یکی از سخت‌ترین مقاطع زمانی تحریم مالی ایران در دوره ۲۰۱۲-۲۰۱۵ بوده است. طی این دوره تولید و صادرات نفت ایران از ۳,۸ و ۲,۴ میلیون بشکه در روز به ترتیب به ۲,۳ و ۱,۹ میلیون بشکه در کاهش یافت.

در سال ۲۰۱۳، یک سال پس از اعمال تحریم نفتی ایالات متحده آمریکا، حجم درآمدهای نفتی ایران تقریباً ۵۰ درصد کمتر از سال ۲۰۱۱ شد. در سال ۲۰۱۵، این کاهش حتی عمیق‌تر شد و به ۷۰ درصد رسید (نمودار ۱). این کاهش قابل توجه به ناچار باعث کسری بودجه ایران شد که به شدت به ورود دلارهای نفتی وابسته بود. در این شرایط، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۲ با تورم رسمی ۲۶ درصد و نرخ رشد سالانه قیمت مصرف کننده بالای ۳۲ درصد، ۷٫۴- درصد برآورد شد. تورم همچنان به رشد خود ادامه داد و در سال ۲۰۱۳ به ۴۰ درصد رسید. کمبود بودجه بر برنامه‌های دولت با هدف توسعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی تأثیر منفی گذاشت. ایران در سال ۲۰۱۲ توانست ۲۱ میلیارد دلار در بخش نفت سرمایه‌گذاری کند. اما یک سال بعد، این رقم به حدود ۱۷ میلیارد دلار رسید. درآمدهای نفتی حتی کمتر از درآمدهای ایران از تجارت نفت در سال ۲۰۱۴ بود که ۵۲ میلیارد دلار برای کشور به ارمغان آورد (Versailles, 2016: 12). در این شرایط توسعه برخی از میادین نفتی (مانند میادین نفتی یاران، میادین نفتی آزادگان شمالی و جنوبی) و زیرساخت‌های اتصال آن‌ها به پایانه‌های صادراتی متوقف یا کند شد، در حالی که اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه‌ها می‌توانست تولید نفت ایران را ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد.

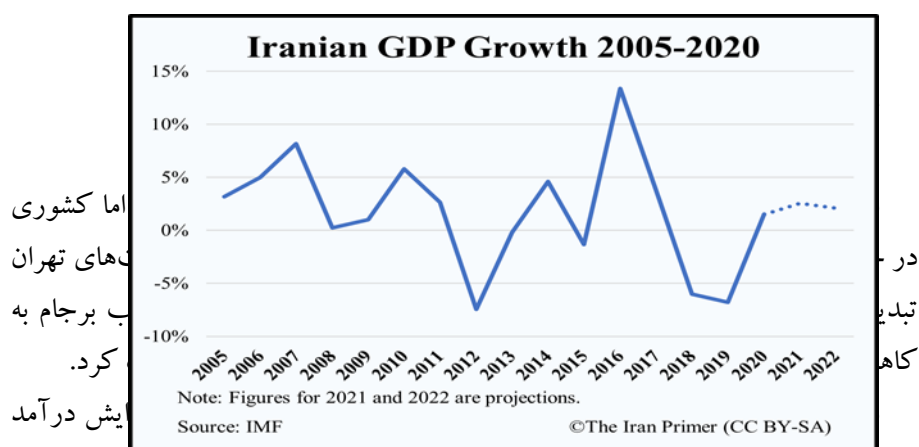
طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۲، نوسانات نرخ ارز در بازار ارز ایران احتمالاً یکی از جدی‌ترین آزمون‌ها برای تاب‌آوری اقتصاد کشور بود. در ژوئیه ۲۰۱۲، بانک مرکزی ایران نتوانست نرخ گران‌قیمت ریال ایران را کنترل کند و مجبور به کاهش ارزش آن شد. نرخ برابری دلار آمریکا از ۱۸۰۰۰ ریال در ژانویه ۲۰۱۲ به ۳۳۵۰۰-۳۴۵۰۰ ریال در مارس ۲۰۱۳ (در بازار آزاد) افزایش یافت. علاوه بر این، رشد ارزش دلار ثابت نبود: در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، به‌طور ناگهانی حداقل چهار بار جهش و شوک‌های اجتماعی و اقتصادی جدی را ایجاد کرد. یکی از خطرناک‌ترین موقعیت‌ها در اوایل مهرماه ۱۳۹۱ رخ داد، زمانی که سقوط نرخ ریال به دلار در بازار آزاد نه تنها منجر به کسری اسکناس دلار در ایران شد، بلکه بازار بزرگ تهران را نیز تعطیل کرد و موجب بروز ناآرامی‌های مدنی در پایتخت شد (Guardian, 2012).



نیز کاهش یافت و در سال ۲۰۱۶ به زیر ۱۰ درصد رسید. همچنین وابستگی بودجه به

درآمدهای نفتی در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴، ۴۰ درصد بود، اما در سال ۲۰۱۵ به سختی به ۳۳ درصد رسید که این امر روند کاهشی را نشان می‌داد. (Financial Tribune, 2017: 3).

جدول ۲: رشد اقتصادی ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲



بودجه این کشور کمک کرد. پس از سال ۲۰۱۵، کسب و کارهای خارجی شروع به بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران کردند. این روند با احیای نسبی روابط ایران با نظام بانکی بین‌المللی همراه شد. با این حال، اگرچه در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۸، ایران در آغاز احیای اقتصاد کشور موفق بود، اما نتوانست رشد پایدار آن و بهبود شرایط اجتماعی را تضمین کند. برای این امر دلایل مختلفی وجود داشت. اولاً، ایالات متحده برخلاف سایر بازیگران، تحریم‌های فراسرزمینی خود را به‌طور کامل حذف نکرد. واشنگتن این موضوع را با اشاره به سیاست‌های منطقه‌ای ایران، وضعیت حقوق بشر و ادعای پول‌شویی توسط مقامات ایرانی توجیه کرد. در نتیجه، بیشتر تحریم‌های مالی اعمال‌شده توسط ایالات متحده به قوت خود باقی ماندند و تنها تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای لغو شدند. این امر مانع از

احیای کامل روابط تهران با سیستم مالی بین‌المللی شد و سرمایه‌گذاران بالقوه را نسبت به تامین مالی پروژه‌ها در ایران بسیار محتاط کرد. علاوه بر این، در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶، شرکت‌های خارجی مطمئن نبودند که آیا جانشین اوباما به برجام احترام می‌گذارد و به اصول آن پایبند خواهد بود، زیرا عدم پایداری ریسک‌های سیاسی مرتبط با سرمایه‌گذاری در ایران را افزایش می‌داد. انتخاب دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷ این باور را در آن‌ها تقویت کرد که برای بازگشت به ایران خیلی زود است. امری که در اواسط سال ۲۰۱۸، آن نگرانی‌ها را کاملاً موجه نشان داد.

ثانیاً، در حالی که حساس‌ترین تحریم‌های اعمال شده در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۰ توسط اتحادیه اروپا لغو شد، اقتصاد ایران همچنان پیامدهای منفی خود را تجربه می‌کرد. به‌عنوان مثال، تهران به دلیل عدم دسترسی به فناوری، تجهیزات خارجی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در دوره تحریم‌ها نتوانست به سرعت پایه تولید و تعمیر دارایی‌های ثابت شرکت‌های خود را در صنایع کلیدی ارتقا دهد. در نتیجه، تا سال ۲۰۱۵ بخش بزرگی از این شرکت‌ها یا از بین رفته یا قدیمی شده و با درجه بالایی از استهلاک مواجه شدند. به‌عنوان مثال، در برخی از صنایع، مانند تولید فولاد، دارایی‌های ثابت تقریباً نیاز به جایگزینی کامل دارند. این عامل حجم عظیم اولیه سرمایه‌گذاری لازم برای احیای تولید داخلی ایران و رقابتی شدن آن را ضروری می‌ساخت. با این حال بودجه کافی برای انجام این سرمایه‌گذاری‌ها وجود نداشت.

ذخایر مالی داخلی ایران در سال‌های تحریم به شدت کاهش پیدا کرد، این در حالی بود که سودآوری پایین و ریسک‌های بالای سرمایه‌گذاری مرتبط با سیاست‌های آمریکا در قبال ایران به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه ورود و اصلاح این وضعیت را نمی‌داد. در این شرایط رشد اقتصادی ایران نابرابر بود. در حالی که در سال ۲۰۱۶، پس از کاهش ۱,۳ درصد در سال ۲۰۱۵ اقتصاد کشور، ۱۳,۴ درصد رشد نشان داد، این رقم در سال ۲۰۱۷ تنها ۳,۸ درصد بود. علاوه بر این، بهبود عملکرد اقتصادی منجر به بهبود شاخص‌های اجتماعی نشد: پس از کاهش جزئی در سال ۲۰۱۶، در سال ۲۰۱۸، نرخ بیکاری به سطح ۱۲,۵ درصد بازگشت. کاهش ارزش پول ایران ادامه یافت که با کاهش تدریجی قدرت خرید خانوارهای ایرانی و نرخ رشد بالای قیمت مصرف‌کننده همراه بود. در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۷، قیمت برخی از غذاها تا ۲۰ درصد افزایش یافت. شکاف گسترده بین فقیر و غنی بر اثر تورم بدون تغییر باقی ماند و همچنین سهم جمعیت منتسب به اقشار کم درآمد

کاهش یافت. جوانان ایرانی آسیب پذیرترین قشر جامعه بودند که سطح بیکاری در میان آن‌ها ۴۰ درصد برآورد شده است (Kozhanov, 2022: 14).
جدول ۴: نمودار تورم سالانه در ۲۵ سال گذشته



منبع: سایت اکوایران

تصویب برجام همچنین به طور عینی نشان داد که مقصر دانستن صرف تحریم‌ها برای افول اقتصاد ایران اشتباه است. از دیگر عوامل کلیدی که با توجه به شاخص‌های کلان اقتصادی، اجازه توسعه کشور را در مدت کوتاه کاهش تحریم‌ها نداد، کاستی‌های ساختاری اقتصاد ایران بود. نقش مسلط دولت در اقتصاد، هزینه‌های اداری بالا، حجم قابل توجهی از بخش غیررسمی در اقتصاد همراه با اثربخشی پایین بخش خصوصی و توسعه نیافتگی مکانیسم‌های بازار که توسط سیاست‌های حمایتی تشدید می‌شدند و شرایط مساعد مصنوعی را برای تولیدکنندگان ایرانی ایجاد می‌کردند از جمله عوامل کلیدی بودند که پس از لغو تحریم‌ها همچنان بر توسعه اقتصادی ایران تأثیر منفی گذاشته‌اند. یکی از مشکلات پایدار ایران نیاز به اصلاحات ساختاری عمیق اقتصادی، از جمله نیاز به کاهش بیشتر برنامه‌های اجتماعی غیرقابل توجیه اقتصادی است که سالانه بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار از بودجه کشور را مصرف می‌کردند (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۷-۹). به عنوان نمونه، یارانه‌ها و برنامه‌های اجتماعی گسترده، دارایی‌های مالی را که می‌توان برای توسعه اقتصاد کشور استفاده کرد، مصرف می‌کند. همچنین، این سیستم، دولت را به ابزار اصلی (اگر نه تنها)

تنظیم کننده روابط بین تولیدکنندگان، واردکنندگان، خرده فروشان و مصرف کنندگان تبدیل کرده و سازوکارهای اقتصاد بازار را تقریباً از این فرآیند مستثنی کرده است. در نهایت، دخالت دولت، آزادی محدود بازار و عدم رقابت پذیری در بازار، به مشکل اصلی فضای کسب و کار ایران تبدیل شده است که ابتکارات بخش خصوصی را سرکوب و سرمایه گذاری های خارجی را پُرریسک کرده است.

جدول ۳: شاخص های کلان اقتصادی ایران در دهه ۹۰

شاخص های کلان اقتصادی ایران در دهه ۹۰ بر حسب درصد				
سال	رشد اقتصاد	نرخ تورم	نرخ بیکاری	شاخص فلکت
۱۳۹۰	۰.۵	۲۱.۵	۱۲.۳	۳۳.۸
۱۳۹۱	-۸.۶	۲۹.۵	۱۲.۱	۴۱.۶
۱۳۹۲	۲.۵	۳۲.۸	۱۰.۴	۴۳.۲
۱۳۹۳	۲.۳	۱۴.۶	۱۰.۶	۲۵.۲
۱۳۹۴	-۰.۱	۱۱.۱	۱۱	۲۲.۱
۱۳۹۵	۱۳.۹	۶.۹	۱۲.۴	۱۹.۳
۱۳۹۶	۴.۱	۸.۲	۱۲.۱	۲۰.۳
۱۳۹۷	-۴.۱	۲۶.۹	۱۲	۳۸.۹
۱۳۹۸	-۶.۸	۳۴.۸	۱۰.۶	۴۵.۴
۱۳۹۹	۲.۲	۳۶.۴	۹.۷	۴۶.۱

مقررات بانکی
سیاست های
سیاسی

بانک
ایران
بانک

آمار رشد اقتصادی ایران در سال ۹۹ بر اساس برآورد بانک مرکزی مربوط به ۹ ماه نخست سال است

حاکم بر ایران است که حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی گروه های کم درآمد مردم را یکی از اهداف جدی خود اعلام کرده است. از سوی دیگر، دولت سعی کرد از هرگونه اصلاحاتی که می تواند بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی تأثیر منفی بگذارد، اجتناب کند.

۳-۲ فرصت های تحریم های آمریکا برای اقتصاد ایران

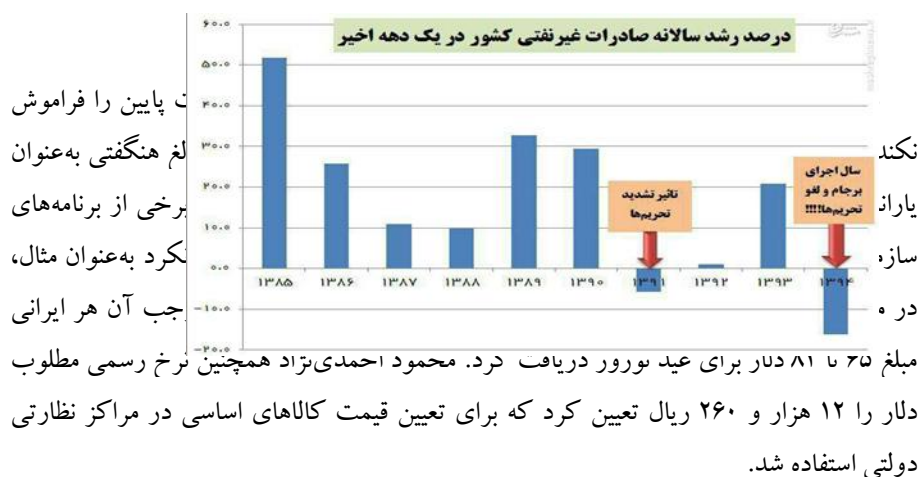
دولت ایران با وجود تحریم ها به سرعت آموخت که چگونه در زمانی که درآمدهای نفتی کاهش یافته است زندگی کند. بودجه جدید ایران برای سال ۱۳۹۲ (اسفند ۱۳۹۲ تا اسفند ۱۳۹۳) بر این فرض استوار بود که حجم صادرات نفت زیر ۱,۳۳ میلیون بشکه در روز با میانگین قیمت ۹۰ تا ۹۱ دلار در هر بشکه باقی بماند. محاسبات ایران تا حد زیادی معقول بود زیرا برای غرب دشوار بود که صادرات ایران را به زیر ۱,۳ میلیون بشکه در روز کاهش دهد یا درآمد خود را به زیر ۹۱ دلار در هر بشکه برساند، در حالی که دلارهای نفتی

صرفاً باید ۴۰ درصد بودجه ایران را تأمین می‌کرد که به میزان قابل توجهی کمتر از سهم درآمد نفت در بودجه‌های قبلی (معمولاً از ۶۰ تا ۸۰ درصد) بود. تحت این شرایط، تحریم‌ها چیزی را آغاز کردند که قبلاً به سختی قابل دستیابی بود: آن‌ها دولت ایران را وادار کردند تا وعده‌های خود را برای تنوع بخشیدن به منابع درآمد بودجه به گام‌های عملی تبدیل کند. بنابراین، در دسامبر ۲۰۱۲، دولت ایران اعلام کرد که طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۲ موفق به ایجاد یک سیستم مالی مدرن از جمله مکانیسم جمع‌آوری مالیات بر ارزش افزوده شده است. متعاقباً مسئولان کابینه احمدی‌نژاد اعلام کردند که زمان شروع استفاده از این سامانه و افزایش درآمد بودجه فرا رسیده است. اگرچه این اظهارات با واکنش منفی مجلس مواجه شد، اما در سال ۲۰۱۲، دولت ایران درآمد مالیاتی را با جمع‌آوری ۱۴ میلیارد دلار افزایش داد (۲۵ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۱). (Clawson, 2013: 4)

اما تنوع درآمد دولت به مالیات محدود نشد. در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، ایران توسعه صنایع پایه غیرنفتی خود مانند فولاد، سیمان و تولید انرژی و همچنین معدن را تشدید کرد. حتی قبل از سال ۲۰۱۲، تهران بیش از ۱۰ میلیارد دلار در سال از طریق صادرات پتروشیمی خود درآمد داشت. اگرچه واردات تجهیزات و فناوری‌های مورد نیاز برای توسعه صنعت پتروشیمی به دلیل تحریم‌ها به شدت محدود شد، اما ایران راهی برای دور زدن این محدودیت‌ها یافت. دولت ایران بر مشارکت شرکت‌های خصوصی در ساخت پالایشگاه‌های نسبتاً کوچک با ظرفیت پالایش تا ۱۰۰۰۰ بشکه در روز تأکید ویژه داشت. این پالایشگاه‌ها به فناوری‌های پیشرفته نیاز نداشتند و می‌توانستند با استفاده از تجهیزات منسوخ تولید شده در اروپای شرقی و جمهوری‌های شوروی سابق کار کنند (Tehran, Times, 2012: 2). در نتیجه در حالی که هنوز نفت جایگاه مهمی در اقتصاد ایران داشت اما در حال تبدیل شدن به بخش کوچک‌تری از اقتصاد ایران بود. در سال ۱۳۹۱، صادرات غیرنفتی کشور ۶۰ درصد از کل صادرات آن را به خود اختصاص داده بود. در سال ۲۰۱۲، صادرات غیرنفتی ایران ۳۷,۶۹ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۴، ۴۶ میلیارد دلار برآورد شده بودند. این افزایش درآمد با رشد محصولات پتروشیمی در ساختار صادرات ایران تضمین شد. بنابراین میعانات گازی، پروپان، متانول، بوتان و پلی اتیلن عمده‌ترین کالاهای صادراتی به خارج از کشور شدند (Iran Project, 2019: 12). رشد صادرات غیرنفتی تا حدودی تحت‌تأثیر برنامه‌های حمایتی دولت بوده است. در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، ایران قوانین مربوط به صادرات را اصلاح کرد؛ به همین منظور برخی از تعرفه‌های صادراتی کاهش

یافت یا حتی تا حدی لغو شد و حدود بیست برنامه برای ارائه یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های تولیدی به تصویب رسید. این برنامه‌ها توسط صندوق توسعه ملی و با استفاده از ذخایر پرداختی ۲۰ درصدی بودجه از محل درآمدهای نفتی تامین می‌شد که پس از سال ۲۰۱۲، وظیفه اصلی تامین مالی توسعه صنعتی کشور را برعهده داشت. تحریم‌ها همچنین به یکی از مهم‌ترین مشوق‌های صادرات کالاهای غیرنفتی تبدیل شد. کاهش ارزش ریال در برابر دلار آمریکا منطقی‌تجارت خارجی را برای برخی شرکت‌های ایرانی در بخش‌های پتروشیمی، ساختمانی و کشاورزی بسیار سودآور کرد.

صادرات غیر نفتی ایران ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴



از سوی دیگر دولت توجه ویژه‌ای به مدیریت بازار ارز و مالی داشت. تهران برای مقابله با پیامدهای کاهش اجتناب‌ناپذیر ارزش پول ملی، کنترل معاملات ارزی را تشدید کرد و سیستم ارز چندگانه را مجدداً معرفی کرد که به آن اجازه می‌داد ارز ارزان‌تری را به واردکنندگان کالاهای اساسی اختصاص دهد. دولت برای کاهش خروج ارز از کشور، واردات کالاهای لوکس را ممنوع

کرد. به همین دلیل، روش‌های غیر تعرفه‌ای برای محدود کردن واردات کالاهایی که مشابه آن در ایران تولید می‌شد، معرفی شد. همزمان واردات شمش طلا و نقره بدون عوارض گمرکی مجاز شد که تهران در معاملات خارجی خود از آن استفاده کرد.

بنابراین، در این دوره (۲۰۱۰-۲۰۱۵) از تحریم‌های غرب، سیاست‌گذار ایرانی تجربیات ارزشمندی در مقابله با تأثیر منفی تحریم‌ها کسب کرد و انعطاف‌پذیری برنامه‌ای خود را ارتقا داد و به ظرفیت‌های غیرنفتی خود توجه بیشتری نمود.

در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ به منظور دور زدن تحریم‌ها، اقدامات تهران در عرصه بین‌المللی دارای اهمیت بود زیرا اولاً، این کشور تعامل با شرکای تجاری سنتی خود را افزایش داد و تلاش کرد وفاداری آن‌ها را به ایران تضمین کند و همچنین آن‌ها را تشویق کند تا با تحریم‌های اعمال شده توسط ایالات متحده و شرکای آن مقابله کنند. به عنوان مثال، پس از اعمال تحریم نفتی در سال ۲۰۱۲، ایران برای خریداران باقیمانده هیدروکربن‌های خود تخفیف‌های قیمتی قابل توجهی ارائه کرد تا وفاداری آن‌ها را جلب کند.

در برخی موارد، ماهیت تحریم‌ها فرصتی برای بهره‌گیری از دیگر ظرفیت‌های کشور بود. به طور نمونه توجه به حمل و نقل جاده‌ای در دوران تحریم حمل و نقل دریایی و هوایی در برنامه‌های مقابله با تحریم‌ها افزایش پیدا کرد. زیرساخت‌های بسیار توسعه‌یافته جاده‌ای داخل ایران دارای اتصالات متعدد با سیستم‌های حمل و نقل کشورهای همسایه بود که به ایرانیان اجازه می‌داد بدون استفاده از مسیرهای دریایی یا هوایی کالا را به هر نقطه از اوراسیا تحویل دهند. در نتیجه، بدون تحمل تحریم‌های اعمال شده در سال ۲۰۱۰، رسانه‌ها از افزایش معینی در تعداد تانکرهای بنزینی که از مرزهای ایران با ترکیه و عراق و از برخی کشورهای آسیای مرکزی که از دریای خزر عبور می‌کردند، خبر می‌دادند (Zweiri & Abusharar, 2022: 6).

ابتکارات فرار از تحریم‌ها در بخش بانکی نیز همانند دیگر بخش‌ها وجود داشت. در ابتدا، مقامات ایرانی با ابتکار عمل برای ایجاد بانک‌های مشترک با دفاتر افتتاح شده در هر دو کشور، به دولت‌های کشورهای مختلف مراجعه کردند. طبق گزارش‌ها، تا سال ۲۰۱۰، چنین پیشنهادهایی به دولت‌های روسیه، هند، چین و ترکیه ارسال شده بود. ایجاد چنین بانک‌هایی امکان انجام معاملات مستقیم بین کشورها را بدون دخالت بانک‌های غربی و معاملات دلاری فراهم می‌کرد. با این حال، به جز بانک مشترک ایران و ونزوئلا که توسط روسای دو کشور در سال ۲۰۰۹ در تهران افتتاح شد، این پروژه بیشتر از این پیش نرفت. بنابراین، تهران استراتژی دیگری را انتخاب کرد: به جای دلار و یورو، شروع به استفاده از ارزهای ملی شرکای تجاری اصلی خود به عنوان ارز قانونی در

فعالیت‌های اقتصادی خارجی کرد. این اقدام پس از تصویب تحریم‌های ۲۰۱۰ که به‌طور جدی ظرفیت تهران را برای استفاده از دلار محدود می‌کرد، اهمیت پیدا کرد. در سال ۲۰۱۵، بانک‌های ایرانی می‌توانستند به وون کره، لیر ترکیه، یوان چین، ین ژاپن، روپیه هند و درهم امارات مبادلات خود را انجام دهند. تجار ایرانی برای جلوگیری از مشکلات بیشتر در معاملات بین‌المللی، اغلب درآمد‌های صادراتی خود را بعنوان حواله‌های سیمی در بانک‌های کشورهای خارجی دریافت می‌کردند. به‌عنوان مثال، پس از تصویب تحریم‌های ۲۰۱۰، دولت کره به ایرانیان اجازه داد تا منابع مالی حاصل از صادرات نفت به جمهوری کره را در حساب‌های بانک صنعتی کره و بانک ووری نگه دارند. قرار بود بعداً این پول صرف خرید محصولات کره‌ای و واردات آن به ایران شود. این تصمیمات مقامات ایران و کره منجر به ایجاد ارتباط مستقیم بین کشورها شد و عملیات غیرضروری ارزش خارجی به دلار را که ممکن بود از تحریم‌های آمریکا در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ آسیب ببیند، حذف کرد (Kahraze and Nikpour, 2019: 12). تقریباً از همین طرح در روابط اقتصادی ترکیه و ایران استفاده شد.

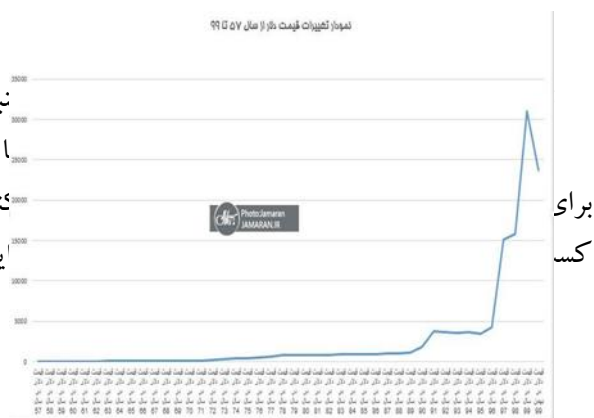
استفاده از طلا و نقره به‌عنوان وسیله پرداخت برای کالاهای خریداری شده در خارج به وضوح توانایی ایرانیان را در به کارگیری ساده‌ترین روش‌ها برای رسیدگی به شرایط دشوار را نشان می‌داد. ایرانیان با قطع ارتباط با سیستم بانکی بین‌المللی، سعی کردند تا جایی که امکان داشت بانک‌ها را از فعالیت‌های اقتصادی خود حذف کنند. از سال ۲۰۱۰، اغلب روایت‌هایی وجود داشت از اینکه تجار ایرانی چگونه با حمل چمدان‌های پر از پول نقد در خارج از کشور تجارت می‌کنند. از طرف دیگر، آن‌ها می‌توانستند از حواله استفاده کنند - یک سیستم غیررسمی انتقال پول مبتنی بر شبکه غیررسمی عظیمی از دلالتان پول در جوامع مسلمان سراسر جهان که به سیستم مالی بین‌المللی متصل نیستند. در مواردی که پرداخت حواله یا نقدی غیرقابل اجرا بود، مقامات ایرانی معاملات مبادله‌ای انجام می‌دادند. برای مثال، در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، هند بخشی از واردات نفت خود از ایران را با محصولات غذایی پرداخت کرد (Gladstone, 2013: 11).

با از بین رفتن تأثیر منفی کووید-۱۹ بر اقتصاد ایران، دوره‌ی اخیر (۲۰۱۸-۲۰۲۲) از نظر تقابل اقتصادی اشتراکات زیادی با دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵ دارد: در حالی که در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹، کشور مجبور به گذراندن دوران آشفتگی شدید اقتصادی بود، در سال ۲۰۲۰ و پس از آن توانست کنترل اوضاع را در دست گیرد و حتی برخی روندهای رشد مثبت را نشان دهد (عبداللهی و بنی‌طبا، ۱۴۰۱: ۱۵). این را می‌توان با شباهت چالش‌های پیش‌روی ایران در هر دو دور تحریم‌ها و تجربه گسترده مقابله که توسط سیاست‌گذاری کشور در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ انباشته شد،

توضیح داد. دوره قبل نشان داد که حداقل دو سطح از تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران وجود دارد اول: تأثیر فوری و مستقیم (تأثیر سطح اول)؛ دوم: تأثیر تجمعی بلندمدت، که به موجب آن نتایج در طول زمان آشکار می‌شوند، اما اثر آن معمولاً بسیار قوی‌تر از تأثیر فوری است (تأثیر سطح دوم).

تحریم‌ها باعث افزایش تورم، کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت مصرف‌کننده شد. بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی، در مقایسه با وضعیت بازار ۲۰۱۷-۲۰۱۶، قیمت مصرف‌کننده محصولات داخلی در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب ۳۱، ۴۱ و ۴۷ درصد افزایش یافته است. برای کالاهای وارداتی این ارقام به ترتیب ۱۳، ۱۶ و ۳۲ درصد بوده است. نرخ دلار در بازار آزاد اقتصاد ایران را در شرایط تحریم رشد داد: دو سطح تأثیر از ۱۰۳۳۷۸ ریال برای ۱ دلار در سال ۲۰۱۸ به ۲۷۳۴۶۳ ریال در سال ۲۰۲۱ رسیده (بانک مرکزی، ۱۴۰۱: ۳۹-۳۸). در این شرایط، افزایش قابل توجه قیمت مصرف‌کننده کالاها و خدمات با کاهش شدید قدرت خرید خانوارهای ایرانی همزمان شد و منجر به بی‌ثباتی وضعیت اجتماعی در کشور شد. با این حال، اگرچه تظاهرات و اقدامات اعتراضی گاه به گاه به واقعیت جدیدی در ایران تبدیل شد، اما دولت توانست با این وضعیت کنار بیاید.

نبع: سایت جماران.
ا روش‌های اقتصادی مختلفی را
کنند. از جمله حمایت از صاحبان
یط تحریم مهم هستند. همچنین



بهبود سیستم مالیاتی، ارتقای بیشتر تنوع اقتصادی و تخصیص منابع اضافی برای ارتقای حمایت مردمی و جلوگیری از کاهش قدرت خرید مردم را پیشنهاد می‌داد. در عرصه بین‌الملل، تلاش‌های ایران برای مقابله با تاثیر منفی تحریم‌ها شامل قاچاق کالاهای تحریمی، استفاده از ارزهای ملی به جای دلار آمریکا برای تسهیل تجارت خارجی، ایجاد مراکز تسویه و استفاده فعال‌تر از معاملات پایاپای است. اعمال مجدد تحریم‌ها یکی از دلایل بهبود روابط ایران با کشورهای همسایه شد زیرا سیاست‌گذار ایرانی معتقد است روابط خوب به جلوگیری از انزوای بین‌المللی کمک می‌کند و می‌تواند از برخی از این کشورهای همسایه برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کنند. این امر تا سال ۲۰۲۲ منجر به تشدید فعالیت دیپلماتیک ایران در همسایگی نزدیک ایران شد که با هدف مماشات با کشورهای هم‌مرز از جمله پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس انجام بود. همچنین استراتژی خودکفایی که از سال ۱۹۷۹ توسط مقامات ایرانی با درجات مختلف موفقیت و شدت اجرا شده است نیز نتایجی را به همراه داشته است. در حالی که نفت، گاز، تولید پتروشیمی و خودروسازی (به دلیل وابستگی به واردات قطعات یدکی و مواد اولیه) ناگزیر قربانی تحریم‌ها شده‌اند، فشار اقتصادی خارجی و سقوط پول ملی به این بخش‌ها آسیبی وارد نکرده است. اقتصادی که نیازهای اساسی مردم در غذا، سوخت و پوشاک را تامین می‌کند جای تعجب نیست که پس از خروج آمریکا از برجام و بازگرداندن فشار تحریم‌های آمریکا، الگوهای ۲۰۱۰-۲۰۱۵ را تکرار کند (Iranprimer.usip.org, 20 December 2022). در حالی که بخش نفت بیشترین آسیب را متحمل شد، بخش‌های پتروشیمی، خودروسازی و ساختمانی نیز به دلیل وابستگی به تجهیزات، قطعات یدکی و مواد اولیه وارداتی و همچنین کاهش قدرت خرید مردم از تحریم‌ها آسیب دیدند. با این حال، بخش کشاورزی و خدمات مستقیماً در معرض تأثیر منفی تحریم‌ها قرار نگرفتند.

تأثیر سطح دوم تحریم‌ها برای اقتصاد ایران بسیار خطرناک‌تر است، زیرا می‌تواند طولانی‌تر باشد و ممکن است در ابتدا قابل مشاهده نباشد. تحریم‌ها در این مرحله به بنیان اقتصاد ایران از جمله توانایی آن در توسعه پایه‌های تولید، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از وام‌های بلندمدت بانک‌های خارجی و ورود به بازارهای جدید آسیب می‌زند. مهم‌تر از آن، این تأثیر نمی‌تواند فوراً در صورت لغو تحریم‌ها از بین برود زیرا عقب‌ماندگی در توسعه برخی صنایع برای سال‌ها باقی خواهد ماند زیرا ایران از دسترسی به تجهیزات و فناوری‌های جدید محروم شده است. و اینجاست که دولت ایران در ارائه

راه‌حل مشخص و واضح - چه در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ و چه بعد از سال ۲۰۱۸ - شکست خورده است. کاترمن تحریم‌های ایالات متحده را یکی از دلایل اصلی کاهش سرعت توسعه بخش نفت و گاز ایران اعلام کرده است. وی خاطر نشان می‌کند که «از سال ۲۰۱۷ تاکنون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هیچ پروژه بزرگ هیدروکربنی در کشور انجام نشده است و این بدان معناست که هیچ فناوری جدید خارجی وارد بخش نفت نشده است. علاوه بر این، تحریم‌ها تا حدی به توسعه نیافتگی بخش گاز و LNG منجر شده و کشور را با منابع عظیم گاز طبیعی خود به یک بازیگر بی‌اهمیت در بازار تبدیل کرده است... در بخش غیرنفتی نیز وضعیت تاحدودی به همین گونه است. در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۲، نه تنها خودروسازان ایران، بلکه تولیدکنندگان مواد غذایی و نساجی نیز تمایل تقریباً ثابتی به سمت انقباض تولید نشان دادند. برای مقابله با این چالش‌ها، رهبری ایران باید مشکلات اقتصادی ساختاری ناشی از ویژگی‌های اقتصاد ایران و تشدید تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا و متحدانش را حل کند» (Katzman, 2022: 15).

به نظر می‌رسد ایران به منظور مقابله با تحریم‌های سطح اول دارای ابتکارات و تجارب اثرگذاری است و ساخت اقتصادی و اجتماعی خود را در این زمینه انعطاف‌پذیر کرده است. اما به منظور مقابله و کاهش تاثیرات تحریم‌های سطح دوم، نیازمند یک استراتژی موثر و با تضمین موفقیت برای نیل به روند پایدار توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور است. به عبارت دیگر ایران در این مقطع باید تصمیمات سخت و مهمی را به منظور انجام اصلاحات ساختاری اخذ نماید تا متضمن رشد فضای کسب و کار، هدفمندی حمایت‌های اجتماعی و کاهش تصدی‌گری دولت و در نهایت مهیا ساختن زمینه‌های جذب سرمایه-گذاری خارجی باشد.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های آمریکا علیه ایران به تحریم‌های اقتصادی، تجاری، علمی، حقوق بشری و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران که از سوی دولت ایالات متحده، یا تحت فشار ایالات متحده بر جامعه بین‌المللی از طریق شورای امنیت سازمان ملل اعمال شده اشاره دارد تحریم‌های آمریکا علیه ایران از قدیمی‌ترین تحریم‌های جهان است. این تحریم‌ها از سال ۱۳۵۸ همزمان با موضوع گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران با دستور اجرایی ۴۷۰۲ و ۱۲۱۷۰ توسط جیمی کارتر آغاز شد و به تدریج بر ابعاد آن افزوده شد. دستورات اجرایی متعدد و قوانین مختلف نتیجه اقدامات خصمانه آمریکا در سال‌های

گذشته است. دستورات اجرایی ۱۲۶۱۳، ۱۲۹۵۷ و ۱۲۹۵۹، ۱۳۳۸۲، ۱۳۵۵۳، ۱۳۵۷۴، ۱۳۵۹۰، ۱۳۵۹۹ و ... نمونه هایی از اقدامات گسترده آمریکا در سال های گذشته برای نهادینه سازی و ساختار بندی تحریم ها علیه ایران است. اقداماتی که در دوره اوباما و ترامپ به اوج خود رسید. مقام های دولت آمریکا تحریم های اعمال شده علیه ایران را سخت ترین و فلج کننده ترین تحریم ها در طول تاریخ تمدن انسان نامیده اند. تحریم های مالی، اقتصادی، دفاعی و نظامی به عنوان یک راه حل آزمایش شده در مهار قدرت اقتصادی و نظامی ج.ا. ایران، در سند راهبردی ایالات متحده آمریکا نهادینه شده است و نمی توان آن را به آسانی نادیده گرفت. نظریه تحریم، منافع ایالات متحده و متحدان منطقه ای آن کشور را همچون رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، تامین کرده است و این گروه، آزاد سازی انرژی مالی و اوج گیری قدرت جمهوری اسلامی در پسابرجام را مخالف منافع خود و در جهت پیروزی کامل محور مقاومت و تسهیل زمینه های تسلط جمهوری اسلامی در منطقه می بینند. بنابر ذهنیت نخبگان سیاسی ایالات متحده، گفتمان های مخالف توافق هسته ای و موفقیت سیاست تحریم ج.ا. ایران در تامین منافع ایالات متحده، استمرار تحریم و تصویب تحریم های جدید از سوی نخبگان سیاسی ایالات متحده بسیار محتمل خواهد بود.

ولی از سوی دیگر به رغم تمامی این گزاره ها، نظام تحریم های هوشمند و چندلایه ای آمریکا علیه ایران طی چند دهه ی اخیر، باعث چالش ها و از سوی دیگر فرصت های متعددی برای ایران شده است. در این مقاله سعی شد به این مساله پرداخته شود که این چالش ها و فرصت ها چه بوده است؟ همانطور که بررسی شد تحریم های اقتصادی محدودیت های مالی، بانکی، اقتصادی و تجاری متعددی را بر سر راه رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران قرار داده است؛ و اساساً تلاش کرده است تا این کشور را از دستور کار روندهای جهانی کنار گذاشته بر انزوای آن را تشدید نماید. تحریم و ممنوعیت های مختلف در حوزه های فناوری، حمل و نقل، انتقال پول، واردات و صادرات؛ همکاری های صنعتی و نظامی مهمترین مصادیق این چالشها محسوب می شوند. از سوی دیگر اما توجه به ظرفیت های داخلی و بومی توسعه فناوری های نظامی و امنیتی (به ویژه در حوزه موشکی و پهباد)، بهره گیری از دانش بومی به منظور ارتقای فناوری در حوزه های پزشکی و دارویی، دانش هسته ای، تدوین دکترین های امنیتی و نظامی جدید در منطقه خاورمیانه، ارتقای سطح تعاملات و راهبردی نمودن آنها با قدرت های نوظهور مثل چین و روسیه و کشورهای عضو بریکس، افزایش چشمگیر توسعه انسانی و ... از جمله فرصت هایی بوده

است که تحریم‌ها و ممنوعیت‌های متعدد باعث بروز و ظهور آنها برای جمهوری اسلامی ایران شده است. ایران با ابتکارات ناشی از محدودیت‌های ایجاد شده توسط تحریم‌ها، از سویی توانست ظرفیت‌های راهبردی خود را در بخش‌های مختلف اقتصادی محقق نماید و از سوی دیگر قدرت انعطاف‌پذیری خود را در برابر سطح اولیه تحریم‌ها افزایش دهد. اما به نظر می‌رسد برای مقابله با سطح دوم تحریم‌ها در بلندمدت ضمن تدوین یک استراتژی منسجم و موثر برای رشد و توسعه پایدار کشور در فضای تحریم، باید محورهای ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

- توجه به ظرفیت شرکت‌های دانش بنیان به منظور متنوع سازی ساخت اقتصادی کشور.

- ارتقای انسجام داخلی در سطح نخبگان، مسئولین و جامعه

- اتخاذ و ارتقای سیاست‌های هوشمندانه‌ی حمایتی توسط دولت

- ایجاد امید به آینده و مدیریت افکار عمومی

- بهره‌گیری دولت ایران از توان امنیتی در بعد ایجابی و سلبی در خاورمیانه به عنوان

اهرم‌های چانه زنی با ترکیه، روسیه و به خصوص اتحادیه اروپا

- تشویق سیاست همسایگی از طریق نهادهای غیردولتی از سوی دولت.

منابع و مآخذ:

- بانک مرکزی (۱۴۰۱)، **خلاصه تحولات اقتصادی کشور**. تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- عبداللہی، محمدرضا و بنی طباطبائی، سید مهدی (۱۴۰۱)، **پایش بخش حقیقی اقتصاد ایران در تیرماه ۱۴۰۱ بخش صنعت و معدن. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران**.
- عبداللہی، محمدرضا (۱۳۹۷)، **تحلیل تحولات اخیر اقتصاد ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**.
- علوی، سیدحیی؛ امیری، داریوش. (۱۳۹۵). «نقش کنگره و وزارت خزانه‌داری آمریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۰)». **رهیافت انقلاب اسلامی**. ۱۰ (۳۴)، ۷۱-۹۴.
- گودرزی، مہناز؛ علینقی‌پور، علی. (۱۴۰۱). «تأثیر تحریم‌های آمریکا بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی (مطالعه موردی روسیه)». **رهیافت انقلاب اسلامی**. ۱۶ (۶۰)، ۱۰۳-۱۲۴.
- محیی‌هره‌دشت، بہنام؛ چاوشی، سید کاظم؛ جهانگیرنیا، حسین؛ غلامی جمکرانی، رضا. (۱۴۰۰). «مقابله با تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران با ابزار هشدار به موقع درماندگی بانک‌ها». **رهیافت انقلاب اسلامی**. ۱۵ (۵۷)، ۱۴۳-۱۶۴.
- نفیور، ریچارد (۱۳۹۹). **هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون میدان**، ترجمه سیدعلی صادقی، تهران: نشر محراب
- Bajoghli, Narges; Nasr, Vali; Salehi-Isfahani, Djavad; Vaez, Ali (2024). **How Sanctions Work: Iran and the Impact of Economic Warfare**, California: **Stanford University Press**
- Bureta, John D; Lew, Megan.Y (2023). "US Sanctions", **GIR (Global Investigation Review)**.
- Clawson, P., (2013). **Iran Beyond Oil? Policy Watch**, 2062, 3 April [online]. Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/iran-beyond-oil> [Accessed 18 August 2022].
- Drummond, J. and Khalaj, M., (2011). **Iran Finds Way Round Petrol Sanctions**. **The Financial Times**, 7 February [online]. Available at: <https://www.ft.com/content/fabc2bba32da-11e0-9a61-00144feabdc0> [Accessed 18 August 2022].
- Elliott, K. A. (2005). **Trends in Economic Sanctions Policy: Challenges to Conventional**
- Wisdom. In Peter Wallensteen and Carina Staibano (Eds.), **International Sanctions: Between Words and Wars in the Global System**. London & New York: Routledge.
- Farzanegan, Mohammad Reza and Batmanghelidj, Esfandyar. "Understanding Economic Sanctions on Iran: A Survey" **The Economists' Voice**, vol. 20, no. 2, 2023, pp. 197-226.
- Financial Tribune, (2017). **Budget's Oil Dependence Declines to 30%**. **The Financial Tribune**, 25 April [online]. Available at: <https://financialtribune.com/articles/economydomestic-economy/63082/budget-s-oil-dependence-declines-to-30> [Accessed 18 August 2022].
- Ghanbarlou, Abdollah (2020). "Theoretical Basis of Sanctions against Iran's Nuclear Program: A Comparison between Diplomacies of Trump and Obama Administrations", **International Studies & Research Institute of Tehran**. 3 February 2020.
- Ghasseminejad, Saeed; Jahan-Parvar, Mohammad R., (2021). "The impact of financial sanctions: The case of Iran", **Journal of Policy Modeling**, Volume 43, Issue 3, PP. 601-621.
- Gladstone, R., (2013). **Iran Finding Some Ways to Evade Sanctions, Treasury Department Says**. **The New York Times**, 10 January [online]. Available at: <https://www.nytimes.com>.
- Guardian, (2012). **Iran Currency Crisis Sparks Tehran Street Clashes**. **The Guardian**, 3 October [online]. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2012/oct/03/iran-currency-crisis-tehran-clashes> [Accessed 18 August 2022].
- Iran Project, (2019). **Non-Oil Exports Leaving Sanctions Behind**. **Iran Project**, 18 March [online]. Available at: <https://theiranproject.com/blog/2019/03/18/non-oil-exportsleaving-sanctions-behind/> [Accessed 18 August 2022].

<https://tradingeconomics.com/iran/unemployment-rate> [Accessed 24 March 2022].

– Versailles, B. (2016). The Economic Implications of Iran's **Economic Sanction Relief**. Retrieved from <http://www.imf.org/external/np/blog/nafida/020116.pdf>.

– Zweiri, Mahjoob; Nael, Abusharar (2022), Iran's Trade with Neighbors: Sanctions' Impact and the Alternatives. **MIDDLE EAST POLICY**, 2022; 29: 60–70, <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/epdf/10.1111/mepo.12663>.

– Iranprimer.usip.org (20 december 2022), **Iran in 2022: U.S. Sanctions**. <https://iranprimer.usip.org/blog/2022/dec/20/iran-2022-us-sanctions>.

– Kahrazeh, Sanaz and Naser Nikpour (2019), Effects of International Sanctions on Exports in Iran with an Approach to Business Attraction. **The Open Access Journal of Resistive Economics (OAJRE)**/ Volume 7, Number 3, 2019 Published Online July 01 E-ISSN: 2345-4954.

– Karbassi, Shayan (2022). "Nuclear Brinkmanship: U.S. Sanctions Against Iran Explained". **The Lawfare Institute**.

– Katzman, K., (2022). Iran Sanctions. Washington DC: **Congressional Research Center**.

– Kozhanov, Nikolay (2022), Iran's Economy under Sanctions: Two Levels of Impact. DOI: 10.31278/1810-6374-2022-20-4-120-140.

– Lacy, D., & Emerson, M.S.N. (2004). "A Theory of Economic Sanctions and Issue Linkage: The Roles of Preferences, Information, and Threats", **The Journal of Politics**, 66(1), Retrieved from

– Nephew, Richard (2017). The Art of Sanctions: A View from the Field. New York: **The Art of Sanctions: A View from the Field**

– Rosenberg, E., Goldman, Z. K., & Drezner, D. D. (2016). The New Tools of Economic Warfare: Effects and Effectiveness of Contemporary US Financial Sanctions. **Center for a New American Security**.

– Samore, G. (2015). Sanctions Against Iran: A Guide to Targets, Terms, and Timetables, **Belfer Center for Science and International Affairs**. Cambridge, MA: Harvard Kennedy School.

– Tehran Times, (2012). Iran's Petrochemical Exports Approaching USD11 billion. **The Tehran Times**, 1 January [online]. Available at: [Accessed 18 August 2022].

– Trading Economics, (2019). Iran Unemployment Rate. **Trading Economics**, January [online]. Available at: